

این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش و بدون ارم این اقدام پژوهی به سایت  
فروشگاهی آسمان مراجعه کنید . [www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

## موضوع اقدام پژوهی :

چگونه توانستم در کودک بازمانده از تحصیل ایجاد

انگیزه کنم.

[www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

فروشگاه آسمان  
[www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش و بدون ارم این اقدام پژوهی به سایت  
فروشگاهی آسمان مراجعه کنید . [www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

**ضمن سپاس از خداوند یکتا بر خود لازم می دانم از کلیه عزیزانی که در انجام این  
اقدام پژوهی اینجانب را یاری نمودند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.**

فروشگاه آسمان [www.asebankafinet.ir](http://www.asebankafinet.ir)

## فهرست مطالب

۲.....	چکیده
۳.....	مقدمه:
۵.....	الف - تشخیص و تبیین مساله:
۵.....	۱- تشخیص مساله:
۶.....	۲- شرح و توضیح مساله و توصیف وضع موجود:
۶.....	۳- گردآوری شواهد ۱:
۷.....	گردآوری اطلاعات
۸.....	تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات جمع آوری شده
۱۰.....	الگوهای تدریس فردی
۱۲.....	انتخاب راه حل یا راه حل ها
۱۷.....	انتخاب بهترین راه حل:
۲۱.....	شرح و توضیح تغییر ایجاد شده و توصیف وضع موجود
۲۲.....	گردآوری شواهد ۲
۲۴.....	نتیجه گیری
۲۵.....	منابع و ماخذ:

## چکیده

گاهی آمار کودکان بازمانده از تحصیل سه و نیم میلیون نفر ارائه می شود و گاه بیشتر از این، اما می توان آمار ارائه شده از دفتر پژوهشهای مجلس را ملاک قرار داد. با این وجود این آمار تا چه اندازه صحیح می باشد و تا چه اندازه در آمار ارائه شده ی کودکانی که جذب بازار کار شده اند و خانواده ها به دلایلی این آمار را ارائه نمی دهند و یا سهم کودکانی که اسیر گروه های بزهکاری و یا تکدی گری شده اند .

این پژوهش درباره دختری به نام زینب است که به دلایلی از تحصیل بازمانده است . از آنجایی که معلمان پایه اول او را مخل کلاس خود می دانستند من خود به شخصه مسئولیت آموزش او را جهت ورود به پایه اول به عهده گرفتم .

در پایان بعد از ۴ ماه توانستم تغییرات شگرفی در این دانش آموز ایجاد کنم که باعث تحسین همکاران شد و او توانست با پشتکار خود به پایه اول وارد شود .

## مقدمه:

از جمله آسیب هایی که نظام آموزشی را در ایران مورد تهدید قرار می دهد، افت تحصیلی می باشد. افت تحصیلی را می توان زیر بنای اصلی پدیده کودکان بازمانده از تحصیل دانست. یکی از شاخص های توسعه کشورها، همگانی شدن آموزش و پرورش و تعمیم آموزش اجباری است. محاسبات گذر تحصیلی از مقطع ابتدایی نشانگر این واقعیت است که شمار خروجی ها برابر با عده ورودی ها نیست و توسعه در کشور ما نیز از این لحاظ کم تر تحقق یافته است. همواره افت تحصیلی در آموزش و پرورش وجود داشته ما به دلیل تدریجی بودن و آشکار نبودن نتایج آن به عمد از کنار آن رد شده ایم. افت تحصیلی موارد متعددی از قبیل مردودی، ترک تحصیل را در بر می گیرد و منظور کاهش عملکرد دانش آموز از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است و به طوری که اگر بین استعداد بالقوه و بالفعل دانش آموز فاصله ای وجود داشته باشد این فاصله نشان از افت تحصیلی دارد و بهترین شاخص آن مقایسه عملکرد قبلی و فعلی دانش آموز است که نهایتاً "منجر به بروز پدیده بسیار تلخ کودکان بازمانده از تحصیل می شود.

منظور از کودک بازمانده از تحصیل، آن گروه سنی از جمعیت هستند که در سنین مدرسه یعنی بین شش تا ۱۸ سال سن دارند و در ماه های تحصیلی و در چرخه ی آموزشی کشور حضور ندارند. یعنی در زمان ساعات کار مدارس، خارج از مدارس هستند و به هر دلیلی یا اساساً وارد چرخه ی آموزش نشده اند، یا بعد از مدت کوتاهی از آن خارج شده اند.

براساس آمار منتشر شده توسط مرکز پژوهش های مجلس، با استناد به سرشماری سال ۱۳۸۵، بیش از ۲/۳ میلیون کودک ۶ تا ۱۷ ساله بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارد که یا اصلاً به مدرسه نرفته اند یا در طول سالهای تحصیل به دلایل مختلف از تحصیل بازمانده اند. می توان گفت که هر کودک بازمانده از تحصیل یک بامب ساعتی است. یک حساب سرانگشتی برای دریافتن اهمیت موضوع کافی است: ۲/۳ میلیون نفر

بازمانده از تحصیل یعنی افزایش دست کم ۲/۳ میلیون فرصت بزهکاری، از دست رفتن ۲/۳ میلیون فرصت برای افزایش تولید مادی و معنوی کشور، یعنی ۲/۳ میلیون فرد که به خاطر بهره مند نبودن از حقوق اولیه خویش سرخورده شده اند، یعنی افزایش شکاف طبقاتی و نابرابری درآمدی و... فراموش نکنیم هزینه ای که امروز برای ادامه تحصیل کودکان ترک تحصیل کرده پرداخت نمی شود در آینده چند برابر آن را باید هزینه زندان و کانون های اصلاح و تربیت و دادگاه و پلیس نماییم.

کودکان بازمانده از تحصیل دو گروه هستند. گروهی مانند کودکان مناطق عشایری و روستاهای دورافتاده و کم جمعیت که از اول وارد سیستم آموزشی نمی شوند. به جز کودکان محروم مناطق عشایری و روستایی، تعداد کمی از کودکان و به خصوص دختران در روستاها و حاشیه شهرها به دلیل نا آگاهی، تعصب و فقر والدین، رنگ مدرسه را نمی بینند و اینها مطلقاً "بیسوادند". گروه دوم کودکانی هستند که در ۶ سالگی وارد مدرسه می شوند و بعد از چندسال تحصیل به دلایل مختلف ترک تحصیل می کنند. بخش دیگر افراد بازمانده از تحصیل مربوط به مناطق دوزبانه کشور است. این کودکان به دلیل اینکه زبان مادری آنها متفاوت با زبان آموزشی کشور است نمی توانند خود را با سیستم آموزشی رسمی تطبیق دهند در همان سال اول دچار افت تحصیلی می شوند.

به امید روزی که در نظام آموزشی خود شاهد هیچ نوع دانش آموز بازمانده از تحصیلی نباشیم.

انشاءالله

## الف - تشخیص و تبیین مساله :

### ۱- تشخیص مساله:

در صبح یکی از روزهای دی ماه و قتی در دفتر مدرسه نشسته بودم مادری دست دو دختر خود را گرفته بود وارد دفتر شد و گفت که به توصیه همسایه ها برای ثبت نام دخترانش در پایه اول مراجعه نموده است از نظر جثه دختران بزرگ بودند و شناسنامه ها نیز مسئله مورد نظر را تایید می کردند یکی از دخترها ۱۱ سال تمام داشت و دیگری ۱۰ ساله بود و زینب نام داشت و علت عدم ثبت نامشان این بود که ساکن یکی از روستاهای محروم و دور دست با جمعیت کم بودند و پس از فوت پدر به کمک دایی شان به کرد آباد مهاجرت نموده بودند و از آنجا که به تحصیل علاقه داشتند با توصیه همسایه ها برای ثبت نام آمده بودند زینب به خاطر شرایط سنی پذیرفته شد و خواهر دیگر به کلاسهای نهضت سواد آموزی معرفی گردید اما دو روز بعد معلم کلاس اول از پذیرش او خودداری نمود و گفت به هیچ وجه نمی تواند او را در کلاس بپذیرد چرا که او هیچ نمی داند و مغل آموزش در کلاس می باشد . با هماهنگی مدیر مجتمع و اداره متبوعه او به عنوان دانش آموز بازمانده از تحصیل شناخته شد و مسئولیت آموزش وی با پیشنهاد خودم به این جانب واگذار گردید کاری که آسان نمود اول ولی افتاد مشکلیها . کاری که آغاز آن باید از ۱۵ اسفند شروع می شد اما من خود داوطلبانه از همان روز شروع به آموزش این کودک بازمانده از تحصیل نمودم . مساله اساسی این بود که چگونه می توان با کودکی که یک کلمه فارسی نمی داند کار کرد و در او ایجاد انگیزه نمود .

## ۲- شرح و توضیح مساله و توصیف وضع موجود :

اینجانب ..... ، کارشناس آموزش ابتدایی ، مدت ..... سال است که در کسوت معلمی مشغول به خدمت هستم . در سال جاری به عنوان معلم پایه سوم ابتدایی دبستان ..... مشغول به خدمتگزاری می باشم .

در همان روز اول متوجه شدم که زینب با زبان اصیل ترکی که کمتر واژه های فارسی با آن آمیخته شده باشد صحبت می کند و کمترین اطلاع را از زبان فارسی می داند . همچنین خانواده زینب به دلیل فقر شدید مالی از کمترین امکانات زندگی برخوردار هستند به نحوی که نتوانسته اند تلویزیون تهیه نمایند و پس از مهاجرت دی ماه به تازگی و طی دو هفته اخیر در خانه اقوام خویش توانسته اند تلویزیون تماشا نمایند .

کار با نگاره ها به سختی شروع شد چون تصاویر کتاب واضح نبودند و زینب برای یادگیری اصطلاح فارسی کلمات از تمرین و تکرار کافی برخوردار نبود همچنین با اینکه برای آموزش زیر نویس های هر نگاره از وایت برد استفاده می کردم اما علاقه ای به نوشتن نشان نمی داد و از همان روزهای اول از دست خط مناسبی برخوردار نبود . غیبت های ۲ روزه در همان اوایل کار به بهانه های واهی بیماری نشان از بی علاقه زینب به درس بود و من در هفته اول کار دلسردی خود را از روند کار در دفتر معلمان اعلام کردم و گفتم بی فایده است کاش مسئولیت کار را نمی پذیرفتم .

## ۳- گردآوری شواهد ۱ :

دست خط های اولیه از سرمشق های مربوط به نگاره ها بسیار نامرتب و ناخوانا بوده و عدم انگیزه و تلاش برای یادگیری در آنها کاملاً مشهود می باشد . در ارزیابی از دفتر مشق بیشتر جملات تشویقی نظیر بیشتر دقت کن . بیشتر تلاش کن مشاهده می شود .



اشیای موجود در نگاره ها را تا حدودی می تواند نام ببرد اما هیچ دقتی در صداهای هم پایان و یا هم آغاز ندارد.

نسبت به داستان های نهفته شده در متن نگاره ها بی تفاوت است و به اندازه ۲ جمله هم نمی تواند داستانی مرتبط با نگاره بیان نماید.

در ۴ درس اولیه مربوط به نشانه ها صداهایی مثل آ - ا - ب غیر آخر و آخر و... برایش نا آشنا می نماید و نمی تواند صامت ها را با مصوتها ترکیب نماید .

### گرد آوری اطلاعات

پس از اینکه شواهد ۱ را از مسئله مورد نظر جمع آوری نمودم متوجه شدم باید به دنبال علل مشکلات مذکور باشم و نیاز به کمک افراد صاحب نظر دارم بنابراین:

- ۱- مشکل مورد نظر را در جلسه شورای معلمان طرح نمودم.
- ۲- دست به مطالعات میدانی زده و از طریق اینترنت و کتب مختلف روش های تدریس با روشهای نوین آموزش های فردی آشنا شدم. همچنین از ویژگیهای دوره سنی دختران ۱۰ ساله نیازهای روحی و توانایی های یادگیری این دوره سنی آشنا شدم.
- ۳- با کارشناسان مجرب و سایر همکاران آموزگار که سالها در پایه اول تدریس نموده بودند، مسئله مورد نظر را طرح نموده و از روشهای پیشنهادی آنان استفاده لازم را نمودم
- ۴- از نظرات ارزشمند همکارانی که در امر نهضت سواد آموزی فعال می باشند استفاده نموده و از روحیات سنی این نوع از سواد آموزان که از تحصیل بازمانده اند و در کلاسهای سوادآموزی شرکت می نمایند نیز اطلاعات لازم را به دست آوردم و اینکه با این دانش آموزان به چه نحوی و با چه زبانی برخورد نمایم نیز آگاهی لازم را کسب نمودم .

## تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات جمع آوری شده

همکاران در جلسه شورای معلمان موارد زیر را از علل اصلی مشکلات به وجود آمده برشمردند که عبارتند از

:

۱- در ابتدا امر این خود من هستم که به اصل آموزش زینب اعتقاد و ایمانی ندارم و امکان پذیر نمی دانم.

۲- زینب انگیزه ای برای یادگیری ندارد چون هیچ ارتباطی با زبان جدید نمی تواند برقرار کند.

انگیزه خود مهم ترین عامل در امر یادگیری می باشد انگیزش به نیروی ایجادکننده ، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته می شود و انگیزه به صورت نیاز یا خواست ویژه ای که انگیزش را موجب می شود تعریف شده است (سیف، ۱۳۸۴).

مکاتب مختلف نظیر رفتارگرایی ، انسان گرایی و... نظریه های مختلفی از انگیزه ارائه داده اند . یکی از نظریه های مربوط به انگیزش در روانشناسی پرورشی نظریه انگیزش پیشرفت [۱] یا نیاز به پیشرفت [۲] است. منظور از انگیزش پیشرفت یا انگیزش موفقیت میل به اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیتهایی است که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی شخصی وابسته است ( اسلاوین، ۲۰۰۶).

دانش آموزان دارای انگیزش پیشرفت سطح بالا همواره می خواهند موفق بشوند و آن را انتظار می کشند و وقتی شکست می خورند کوششهای خود را دو برابر می کنند . به فعالیت ادامه می دهند تا موفق بشوند . واضعان اصلی نظریه انگیزش مککلند [۳]، اتکینسون [۴]، کلارک [۵] و لوول [۶] می باشند.

نکته مهم این است که کسب موفقیت در تکالیف آسان برای افراد دارای انگیزش پیشرفت لذت بخش نیست بلکه کسب توفیق در تکالیف چالش برانگیز مهم و افتخارآمیز است . بنابراین من باید هم در زینب ایجاد انگیزه می نمودم و هم از آنجا که زینب از پایه اولی ها سه سال بزرگتر بود کاری می کردم که نسبت به آنان تکالیف چالش برانگیزتری را انجام دهد و از موفقیت خویش احساس غرور و لذت نماید.

برای ایجاد انگیزه روشهای زیر پیشنهاد شده است و من تلاش نمودم به مرور انجام دهم:

- هدف های آموزشی خود را در آغاز درس به یادگیرندگان بگویید و از آنها بخواهید تا برای خود نیز هدفهای یادگیری انتخاب کنند.
- در شرایط مقتضی از تشویق های کلامی استفاده کنید.
- از آزمونها و نمرات به عنوان وسیله ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان استفاده کنید
- از خاصیت برانگیزانندگی موضوعهای مختلف استفاده کنید و آموزش خود را با تجارب و موارد جالب همراه سازید.
- مطالب آموزشی را از ساده به دشوار ارائه دهید.
- هنگام آموزش مطالب تازه از مثالهای آشنا و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده از موقعیت های تازه استفاده کنید.
- علاوه بر توضیح و تشریح مطالب به طور کلامی ، تا آنجا که ممکن است از روشهای دیگر آموزشی نیز استفاده نمایید و دانش آموزان را به مشارکت در یادگیری تشویق نمایید.
- از ایجاد رقابت و هم چشمی در میان دانش آموزان جلوگیری نمایید.
- پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت یادگیری را کاهش دهید.
- به دانش آموزان مسائل و تکالیفی دهید که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشند.
- از مشوق های درونی و بیرونی استفاده کنید.
- تا آنجا که ممکن است مطالب درسی را به صورت معنی دار و در ارتباط با موقعیت های واقعی زندگی ارائه دهید و در حد امکان در انجام فعالیتهای آموزشی به یادگیرندگان آزادی عمل بدهید.

۳- آموزش با وایت برد زینب را به حال و هوای کلاس نمی برد . و او را غرق در فضای آموزش نمی کند.

۴- از آنجا که زینب از همکلاسی های پایه اولیش سه سال بزرگتر است کار با وسایل آموزشی یادگیری در او ایجاد انگیزه نمی نماید و نیاز به آموزش جدی تری دارد.

۵- چون زینب تنهاست با کسی احساس رقابت نمی کند و باید این رقابت در او ایجاد شود.

۶- شناخت الگوهای تدریس . الگوهای تدریس چار چوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می تواند معلم را در اتخاذ روشهای مناسب تدریس کمک کند . در واقع جزء مهارتهای فنی و حرفه ای معلمان محسوب می شود و هنر معلم در کیفیت انتخاب و اجرای آنهاست . هر کدام از الگوها رویکرد متمایزی نسبت به تدریس دارند اما می توان گفت به هیچ وجه با هم متضاد نیستند و شاید بتوان در آنها نکات و عناصر مشترک تدریس را مشاهده کرد . که در این زمینه من باید بیشتر فعالیت و تمرکز بر روی الگوهای تدریس فردی می بود(هرگنهان و السون ، ۱۳۸۶) . بنابراین مطالعاتی در زمینه الگوهای تدریس فردی نمودم.

### الگوهای تدریس فردی

این الگوها به دیدگاه فردی توجه زیادی می کنند و درصدد هستند تا استقلال سازنده را در فرد تشویق نمایند تا افراد به طور فزاینده ای خود آگاه شوند و مسئولیت سرنوشت خودشان را بر عهده بگیرند این الگو بر رشد و شکوفایی افرادی که خودشان را درک می کنند و می توانند مسئولیت آینده شان را بر عهده بگیرند استوار است .

#### تدریس غیر مستقیم

کارل راجرز

این الگو ایجاد توانایی برای رشد خود را کانون توجه قرار می دهد و به دانش آموزان کمک می کند تا خودشان را بهتر درک نمایند و یاد بگیرند چگونه احساس خود و خودارزشمندی را در خود ایجاد کنند و برای یک زندگی سطح بالا تلاش نمایند.

#### آموزش خود آگاهی

فریتز پولز

اهداف اصلی ، درک خود و توانایی کشف برای افزایش رشد فردی است . حساسیت بین فردی و همدردی زیاد نیز در این الگو مهم هستند.

### در کلاس درس

ویلیام گلاسر

درک خود و مسئولیت نسبت به خود و دیگران را به عنوان دو روی سکه رشد ، افزایش می دهد.

### خودشکوفایی

ابراهام مازلو

این الگو ، بر رشد درک خود و افزایش استعداد رشد فردی متمرکز می شود ، در روابط میان فردی ، همدلی و مسئولیت نسبت به دیگران هدفهای نهایی هستند.

### سیستمهای مفهومی

دیوید هانت

انعطاف پذیری و پیچیدگی فردی را در هر دو مورد ، هم در تعامل با دیگران و هم در پردازش اطلاعات افزایش می دهد.

## انتخاب راه حل یا راه حل ها

بنابراین با توجه به علل عنوان شده اساسی ترین علت ها برای مشکل به وجود آمده زبان مادری و بیگانگی با زبان رسمی کشور، همچنین عدم انگیزه برای یادگیری در زینب بود که راه حل هایی به شرح ذیل ارائه گردید :

- ارتباط زینب را با سایر دانش آموزان پایه اول در کلاسهای نظیر ورزش و هنر بیشتر نمایم و او در این ساعات به کلاس اول برود و با آنها ارتباط برقرار نماید
- برگزاری جلسه مشاوره ای با مادر زینب و تشریح وضعیت موجود و درخواست تشویق های زبانی از طرف مادر
- برگزاری جلسه ای با دانش آموزان پایه اول و تشویق آنها به ارتباط با زینب در زنگهای تفریح و صحبت کردن به زبان فارسی و تکرار و تمرین دروس یاد داده شده با او در اثنای زنگ تفریح
- انتقال کلاس درس از دفتر مدرسه به یکی از کلاس های درس که خالی می باشد و در آن از تخته سیاه استفاده شده است.
- دادن مسئولیت های کوچک اما مهمی به زینب تا متوجه شود که فردی لازم می باشد و مورد توجه من است.
- استفاده از شیوه های نوین تدریس نظیر روش های یادگیری در حد تسلط

- این اندیشه که من نمی توانم یاد دهم و یا زینب نمی تواند یادبگیرد را از خود دور سازم.
- ایجاد رقابت سالم بین زینب و سایر دانش آموزان از طریق بررسی هر روزه روند پیشرفت زینب و کلاس اولی ها و ابراز امیدواری که ما هم خواهیم رسید
- استفاده مداوم و هر روزه از جدول ترکیب مصوتها و صامتها
- مکالمات ساده و هر روزه با زبان فارسی صورت پذیرد.
- استفاده از مثالهای ملموس و قابل درک و برگرفته از زندگی روزمره زینب برای ایجاد انگیزش بیشتر
- استفاده تقویت کننده های شرطی [۸]، اجتماعی [۹] و فعالیتی [۱۰] و ...
- استفاده از کتابهای داستانی کتابخانه که بیشتر تصویری باشد و زینب بتواند برای تصاویر داستانی طرح نماید.

#### اجرای راه حل ها

- پس از اینکه راه حل های موجود را بررسی کردم تصمیم گرفتم هر حله به مرحله هر یک از روشهای موجود را بکارگیرم.
- در ابتدا امر کلاس درس را تغییر دادم و زینب پشت نیمکت های کلاس نشست و من پشت میز معلم و زینب خود را در مقابل معلم دید تا یک مدیر مدرسه که کارهای مختلفی انجام می داد و برای تدریس و پیگیری دروس زمان دقیق و منظمی را تعیین نمودم به طوری که جلسه پرسش و

پاسخ و تدریس به صورت یک عادت و وظیفه در آمد و من در این اوقات دست به هیچ کار دیگری نمی زدم.

- در جلسه ای با مادر زینب روند موجود را تشریح نموده و از او خواستم در صورت امکان مالی، خرید کتاب داستان و تلویزیون را در اولویت خود قرار دهد و با تشویق های زبانی او را پشتیبانی نماید .
- با همکاری آموزگار پایه اول ، با دانش آموزان پایه اول صحبت نمودیم تا زینب را عضو یکی از گروهها نماییم و زینب در زنگهای تفریح و ورزش و هنر با گروه خود اخت شده در فعالیتها شرکت می نمود و از حالت خجالتی کم کم فاصله می گرفت.
- هرروز روند پیشرفت کلاس اول را از زینب می پرسیدم و به او می گفتم که زیاد دلتنگ نباشد چرا که او به زودی به کلاس خواهد رفت و با همکلاسی هایش درس خواهد خواند
- در روزهای اول فعالیت متوجه شدم که زینب برای اینکه به راه بیفتد نیاز به کمی سخت گیری دارد تا درس را سرسری نگیرد برای همین وقتی در ترکیب صامتها و مصوتها از خود تلاشی نشان نمی داد به وضعیت آینده را ترسیم نمودم و گفتم اگر به این منوال عمل کنی هرگز نخواهی توانست به کلاس اول بروی و پشت نیمکت ها بنشینی و شاید مجبور باشیم تو را نیز مانند خواهرت به کلاسهای نهضت سواد آموزی معرفی کنیم و تو لذت بازی کردن با دوستانت را از دست خواهی داد.
- در هنگام ارائه تدریس زینب را با گفتار خود شرطی نمودم که تا پایان کار نیز ادامه دادم و آن این بود که برای ایجاد تمرکز حواس تاکید می نمودم یکبار خواهم گفت و نه بیشتر و تو تا ابد باید این قانون را رعایت کنی البته بیشتر جهت تمرکز حواس بود و عادت دادن زینب به این روش.



- گاهی دفاتر املای سایر دانش آموزان پایه های مختلف را به عمد پیش زینب بررسی می کردم و غلطهای املایی آنان را به زینب نشان می دادم و به او علت اشتباهات آنان را بازگو می کردم و یا از زینب می خواستم غلطهای آنان را یافته و یا دلیل اشتباهات آنان را بیان کند

- گشتالتی ها معتقدند که حفظ کردن سطحی و طوطی وار مطلب ، یادگیری تلقی نمی شود بلکه یادگیری واقعی مستلزم توجه و دستیابی به معنی ، اصول اساسی و سازماندهی مطالب است و یادگیرنده باید در این موارد کوشش کند . آنان علاقه چندانی به مطالعه یادگیری نداشتند بلکه بیشتر در زمینه ادراک کار می کردند و به تعمیم اصول مورد نظر خود در ادراک می پرداختند . کورت لوین [۱۱] از جمله روانشناسانی بود که در پیوند حوزه روانشناسی گشتالتی به روانشناسی شناختی نقش مهمی را ایفا کرد . مهم ترین سهم او در روانشناسی ، ارائه مفهوم فضای روانی است در این دیدگاه یادگیری تابعی است از فضای روانی فرد و با مطالعه کلیه عوامل و شرایط موجود در این فضا است که می توان به درک علل رفتار فرد در اوضاع و احوال روانی مختلف نایل آمد .

- یادگیری معنی دار نیز از جمله نظریاتی است که در باب یادگیری ارائه شده است . یادگیری معنی دار از اولین روشهای جانشینی است که برای یادگیری طوطی وار ، سطحی و ناپایدار عنوان شده است . دیوید آزوبل [۱۲] روانشناسی است که از روش سخنرانی حمایت کرده است استفاده از پیش سازمان دهنده ها ، یعنی چهارچوب های ارائه شده قبل از مطلب اصلی ، می تواند وسیله ای برای معنی دار کردن اطلاعات برای یادگیرندگان باشد ( هرگنهان و السون ، ۱۳۸۷ ) .

من نیز برای پیشرفت کار این نظریات را بکار بستم . در زمینه املا از کلمات کلیدی بسیاری استفاده می کردم که خودم متوجه بودم که بیشتر این کلمات در کلاس اول گفته نمی شود . در یاددهی آنان به معنی کلمات هم به زبان ترکی و هم به زبان فارسی دقت بیشتری می کردم و حتی در انتخاب کلمات وسواس بیشتری از

خود نشان می دادم تا برای زینب ملموس باشد گاهی از خود زینب می خواستم از محیط قبلی زندگی خود اشیایی را نام ببرد و یا نام افرادی را بگوید تا نحوه نوشتن آنها را یاد بگیریم و یا نام همکلاسی های پایه اولیش را بیان کند و بتواند در زنگهای تفریح میزان پیشرفتش را به آنان نشان داده احساس غرور کند . خیلی زود جمله نویسی را هم به همراه کلمات جدید شروع کردیم .

• زینب در زنگهای ورزش و هنر به کلاس اول می رفت و این ارتباط عاطفی بین او و پایه اولی ها او را با نشاط تر از همیشه نشان می داد و میزان علاقه او به درس و مدرسه را صد چندان کرده بود.

• برای آموزش ریاضی کمتر از وسایل آموزشی استفاده می کردم چرا که زینب به مرحله انتزاعی رسیده بود و استفاده از این وسایل را بچگانه می دانست و بیشتر دوست داشت به طور ذهنی عمل کند و من نیز به این نظر او احترام قائل می شدم اما از کتاب کار ریاضی منشور دانش نیز استفاده می کردم چراکه برای جلوگیری از فراری بودن درس زینب نیاز به تمرین و تکرار داشت و این امر در کلاسهای عادی و پرجمعیت رخ می دهد اما برای زینب این امکان وجود نداشت.

• برای اینکه زینب مطمئن شود در صورت پیشرفت به کلاس خواهد رفت از اوراق امتحانی همان کلاس که قبلا "اخذ شده بود برای او نیز استفاده می کردم در عین حال خودم نیز سوالاتی را برای ارزشیابی کیفی زینب طراحی می نمودم.

• در تدریس درس علوم بیشتر سعی می کردم زینب خود آنچه را که می بیند بیان کند و تصاویر را شرح دهد با دقت گوش می کردم و گاهی به بحث جهت می دادم و تا حد امکان آزمایشات درس را انجام می دادیم.

## انتخاب بهترین راه حل :

۱- برای اینکه زینب رفتار مطلوب علاقمندی به یادگیری و شرکت فعال در کلاس درس را ادامه دهد از روشهای افزایش رفتار مطلوب استفاده کردم که هدف آنها افزایش نیرومندی خزانه رفتاری دانش آموز است که می توان به استفاده از تقویت کننده های مثبت اشاره نمود . هدف تقویت کننده ها الزاما " تکرار رفتار است (سیف، ۱۳۸۵) . انواع تقویت کننده ها به شرح ذیل می باشند

۱- نخستین

ذاتا" اثر تقویتی دارد مانند آب ، غذا....

۲- شرطی

بر اثر مجاورت با تقویت کننده های نخستین خاصیت تقویتی یافته اند نظیر جایزه ، نمره ، مقام....

۳- تعمیم یافته

اثر تقویتی آنها از یک موقعیت به یک موقعیت دیگر تعمیم یافته است مثل پول یا نمره

۴- اجتماعی

به وسیله دیگران و در یک موقعیت اجتماعی به فرد داده می شود . مثل توجه کردن - بوسیدن....

۵- پته ای

یک تکه کاغذ - ژتون - ستاره که پس از رفتار مطلوب شخص به او داده می شود.

۶- فعالیتی

از فعالیتهایی که دوست دارد انجام دهد می توان به عنوان تقویت کننده برای فعالیتهایی که کمتر به آن می پردازد استفاده کرد.

۷- قابل دستکاری

به فرصت بازی کردن با اسباب بازی ، نقاشی کردن با مداد رنگی ، نوار گذاشتن در ضبط صوت و استفاده از رایانه و سرگرمی های دیگر گفته می شود

#### ۸- بازخوردی

به اطلاعاتی که از نتایج کار یا رفتار یک فرد به او داده می شود.

#### ۹- بیرونی

تقویت کننده هایی که توسط دیگران نظیر معلم و یا اولیا داده می شود.

#### ۱۰- درونی

کنترل آنها به دست خود فرد می باشد و نشان از رضایت درونی خود فرد از کسب توفیق در رسیدن به هدف دارد.

از جمله تقویت کننده های مثبتی که من در این موضوع استفاده کردم عبارتند از:

تقویت کننده شرطی : پس از کسب هر ۱۰ صد آفرین او را مورد تشویق قرار داده و یک جایزه نظیر مداد یا دفتر به او می دادم.

تقویت کننده اجتماعی : گاهی در حضور همکاران و گاهی در رنگهای تفریح در بین دانش آموزان او را مورد تشویق قرار داده و پیشرفت های درسی او را بیان می نمودم به نحوی که همه دانش آموزان به رابطه عاطفی ما پی برده بودند.

تقویت کننده فعالیتی : دیوید پریماک (۱۹۵۹) [۱۳] در پژوهشهای خود نشان داد که انجام رفتارهای دارای فراوانی زیاد را می توان به انجام رفتارهای دارای فراوانی کم یا رفتارهای ضعیف وابسته کرد و از این طریق رفتارهای ضعیف را نیرومند ساخت این رابطه رفتاری را اصل پریماک [۱۴] می گویند . از آنجا که زینب به بودن در کنار بچه ها بیشتر راغب بود من این رفتار را منوط به موفقیت و صحیح بودن فعالیتهاش می دانستم و با هم قرار می گذاشتیم هر چه موفق تر عمل کند وقت بیشتری را با دوستانش بگذراند .

تقویت کننده بیرونی : هنگام بازدید مدیر مجتمع از مدرسه از او خواستم که از زینب هم درس پیرسد و جایزه ای را هم که از قبل تهیه نموده بودم به او بدهد.

تقویت کننده درونی : از زینب می خواستم گاهی خودش در مورد وضعیت تحصیلی کلاس اولی ها برایم حرف بزند مثلا "آیدا چه مشکلات یادگیری دارد؟ آیا آنچه را که آیدا یا سحر نمی دانند او می داند؟ و می خواستم تا دوباره اشکالات آنان را برایم بنویسد و وقتی بدون غلط می نوشت من لبخند می زدم و او به توانایی خود می بالید و احساس رضایتش کاملا "مشهود بود.

بندورا (۱۹۷۷) معتقد است که تقویت درونی حاصل از ارزشیابی شخصی یا خود ارزشیابی از تقویت بیرونی فراهم آمده به توسط دیگران بسیار نیرومند تر است . بندورا پس از مرور و بازنگری مقدار زیادی پژوهش درباره اثر بخشی نسبی تقویت بیرونی در مقابل تقویت درونی چنین نتیجه گرفت که رفتار شخصا " تقویت شده بهتر از رفتار از بیرون تقویت شده نگهداری می شود . بنابراین من بیشتر تلاش می کردم تا زینب از تقویت کننده درونی بهره ببرد.

۲- دومین راه حل انتخابی مهم تغییر در روش تدریس بود برای آموزش زینب، من از روش یادگیری در حد تسلط یا تدریس تسلطی استفاده نمودم . این روش برخاسته از اندیشه های جان کارول و بنجامین بلوم است . طبق مدل یا الگوی کارول ، یادگیری آموزشی پدیده ای مبتنی بر زمان است . یعنی هرچه زمان یادگیری بیشتر باشد مقدار یادگیری نیز بیشتر خواهد بود. کارول استعداد را به صورت مقدار زمانی که شخص نیاز دارد تا مطلبی را بیاموزد یا مهارتی را کسب کند تعریف کرده است . می توان این روش را روشی برای سازمان دادن به آموزش ، متکی بر این فرض که دانش آموزان می توانند بیاموزند به شرط آنکه زمان و کمک مورد نیاز آنان در اختیارشان گذاشته شود . برای همین من در دروس اولیه بخوانیم از این روش استفاده کردم تا پایه یادگیری زینب کاملا قوی و تثبیت شده باشد و پس از اینکه به راه افتاد خود گوی سبقت را از هم پایه ای های خود خواهد ربود . مراحل این روش به صورت زیر می باشد:

تعیین هدف : من به طور کامل به زینب می گفتم هدف ما از یادگیری درس شناخت چه نشانه ای می باشد

تعیین رفتارهای ورودی : پیش نیازهای مربوط به درس را از قبل تعیین می کردم درس قبل را مرور می کردیم و در صورت وجود کوچکترین اشکال و یا احیانا تامل و مکث زینب دوباره مشکل مورد نظر را رفع می کردیم.

تعیین حد تسلط : حد تسلطی که من برای سوالهایم از زینب در نظر گرفته بودم ۱۰۰ درصد بود و باید زینب به تمامی سوالات جواب صحیح می داد تا آموزش ادامه یابد.

تعیین واحدهای آموزش - یادگیری : در هر درس آموزش نشانه غیر آخر و نشانه آخر را به واحدهای مستقلی تقسیم نموده بودم که پس از آموزش یک واحد و بکارگیری آن در واژه های مختلف واحد بعدی را آموزش می دادم.

اجرای آموزش گروهی : این مرحله را به دلیل شرایط خاص زینب انجام نمی دادم.

اجرای ارزشیابی تکوینی و آموزش اصلاحی : پس از انجام تکالیف و تمرینهای آموزشی نوبت به ارزشیابی تکوینی [۱۵] یا سنجش تکوینی [۱۶] می رسد سنجش تکوینی شامل واژه های جدید با معنی و بی معنی و کاربرد آنها در جملات جدید بود و یا انجام تمرینات ورقه بود که در آن از کلمات جورکردنی و کلمات ناقص و انواع تمرینات املایی استفاده شده بود، که این تمرینات مربوط به هر یک از واحدهای آموزشی می شد. با استفاده از این تمرینات من و زینب به روند کار و میزان پیشرفت و رسیدن به تک تک اهداف تعیین شده پی می بردیم . کمتر موردی پیش آمد که ما دست به آموزش اصلاحی بزنیم.

اجرای ارزشیابی تراکمی و نمره گذاری : این کار برای تعیین مجموعه یادگیری های دانش آموز و قضاوت درباره میزان اثربخشی طرح آموزشی معلم صورت می گیرد. در این مرحله تمام واحدهای یادگیری مورد ارزیابی قرار می گیرد که من این آزمون را در پوشه کار زینب قرار می دادم . که نشاندهنده موفقیت و مشمراثر بودن جریان یادگیری - یاددهی بود . (هرگنهان و السون، ۱۳۸۷)

## شرح و توضیح تغییر ایجاد شده و توصیف وضع موجود

تغییر رفتار ایجاد شده در رفتار و وضعیت آموزشی زینب به طور کامل مشهود بود. تقویت کننده ها کار خود را کرده بودند و روز به روز شاهد افزایش رفتارهای مثبت و پیشرفت زینب بودیم. همچنین روش تدریس یادگیری در حد تسلط نیز عامل مهم دیگری در پیشرفت دروس بود. لازم بود تا عملکرد خود و زینب را حداقل در ۱۰ مورد ارزشیابی توصیفی مورد بررسی قرار دهیم که نتایج آن به شرح ذیل است:

هدف هایی که من برای ماده درسی املا در نظر گرفتیم:

- ۱- املا را بدون غلط و بدون کمک من می نویسد. بسیار خوب
- ۲- املا را بدون غلط و با کمک من می نویسد. خوب
- ۳- املا را با دو غلط می نویسد. نیاز به تلاش بیشتر
- ۴- غلط های زیادی در نوشتن املا دارد. عدم رضایت

هدف هایی که برای ماده درسی بخوانیم در نظر گرفتیم و در ۱۰ مورد پیشرفت زینب را براساس آن مورد بررسی قرار دادم:

- ۱- متن دروس را بدون غلط و سریع روان می خواند و نشانه ها را شناخته برای آنها کلمات هم آغاز یا هم پایان می گوید و در جمله ای بکار می برد. خیلی خوب
  - ۲- متن درس را بدون غلط اما با تاکید جمله کمی دقت کن می خواند و نشانه ها را می شناسد اما در ساختن جملات و کلمات جدید خلاقیت نشان نمی دهد. خوب
  - ۳- متن درس را با داشتن غلط می خواند و نیاز به استفاده از آموزش اصلاحی دارد. نیاز به تلاش بیشتر
  - ۴- در خواندن متن درس اشکالات بیشتری دارد و مفهوم کلمات را نمی داند. عدم رضایت
- برای ماده درسی ریاضی نیز اهداف زیر را در نظر گرفتیم:

۱- تمرینات ریاضی را با جدیت و تلاش بیشتر بدون غلط حل می کند . خیلی خوب

۲- تمرینات را بدون غلط اما با راهنمایی ها و تذکرات من انجام می دهد . خوب

۳- در انجام تمرینات دقت لازم را ندارد و نیاز به توجه بیشتر دارد و فقط ۷۰ درصد ورقه را صحیح می نویسد

۴- بیش از ۸۰ درصد ورقه و تمرینات کتاب را نمی تواند حل کند . عدم رضایت.

زینب و من بیشتر تبدیل به عاشق و معشوق شده بودیم من از پیشرفت های پی در پی و سرعت یادگیری او لذت می بردم و او نیز از دیدن لبخندهای رضایت من که حاکی از موفقیت او بود ، لذت می برد . هر روز که طی می شد زینب چه در ماده درسی ریاضی و چه در ماده درسی بخوانیم و املا از پیشرفت روزافزونی برخوردار بود . زینب که در ابتدای کار اصلاً " با ماده درسی نقاشی در حد تفریح هم چیزی نمی دانست در پایان کار نقاشی های بسیار زیبا می کشید که حاکی از رشد افکار و شکوفایی استعدادها و توانایی های ذهنی او بود .

## گردآوری شواهد ۲

زینب به طور شگفت انگیزی در امر آموزش پیشرفت نمود به نحوی که حتی وقتی به شدت بیمار بود از درس و مدرسه غیبت ننموده بود و حتی بنا به گفته آموزگار پایه اول از بیشتر دانش آموزان کلاس او وضعیت بسیار عالی داشتو پیشرفت چشمگیری داشت که البته این موضوع را در زنگهای ورزش و نقاشی که به کلاس اول می رفت متوجه شده بود . شوق یادگیری در زینب چندان زیاد شده بود که گاهی اوقات دوست داشت دو درس در یک جا به او یاد داده شود . درس های عقب افتاده در سایر دروس مثل ماده درسی قرآن را بدون نیاز به کمک من در خانه می خواند و ما فقط با هم مرور می کردیم و من توضیحات اضافی را برای او می گفتم . تمامی همکاران به پیشرفت فوق العاده زینب اذعان نموده و با تمام وجود او را تحسین می کردند و این عمل در بازدید مسئولین و پرسش هایی که از زینب از درس ژاله و منیژه شد و املائی که به او گفتند مشهود است .



در اواخر اردیبهشت دیگر با رضایت قلبی خودم و با تشخیص اینکه بهتر است زینب سایر آداب مدرسه و اجتماعی شدن را نیز بیاموزد او را به کلاس اول فرستادم تا جمع پذیری، مسئولیت پذیری، کار در گروه و تشریک مساعی را نیز در کنار سایر دانش آموزان پایه اول فراگیرد و حس تعلق داشتن به گروه را درک کند

در پایان خرداد طی ارزشیابی کیفی و توصیفی که توسط آموزگار پایه اول از تمام دروس انجام گرفت نتیجه عالی خیلی خوب برای تمام دروس حاصل تلاش من و زینب طی ۴ ماه بود روزهایی که ابتدا به سختی شروع شدند و بتدریج شیرین تر و لذت بخش تر هم برای من و هم برای زینب بودند. شاید پشتکار هردویمان بود من که می خواستم خود را در مورد یک کیس محک بزنم و هم زینب که عشق مدرسه و تحصیل در او بیدار شده بود و من در او ایجاد انگیزه نموده بودم.

خوشحالم که با دلگرمی های دوستان و راهنماییهای ارزنده همکاران زینب را به حال خود رها نکردم و او وارد دایره تحصیل و علم اندوزی شد. شاید روزی او را در لباس خانم معلم یا خانم دکتر ویا ..... ببینم و حتی اگر صاحب شغل دولتی هم نباشد حداقلش این خواهد بود که او فردی باسواد در جامعه اش خواهد بود که می تواند سره را از ناسره تشخیص دهد خدایا شکر

## نتیجه گیری

گاهی آمار کودکان بازمانده از تحصیل سه و نیم میلیون نفر ارائه می شود و گاه بیشتر از این، اما می توان آمار ارائه شده از دفتر پژوهشهای مجلس را ملاک قرار داد. با این وجود این آمار تا چه اندازه صحیح می باشد و تا چه اندازه در آمار ارائه شده ی کودکانی که جذب بازار کار شده اند و خانواده ها به دلایلی این آمار را ارائه نمی دهند و یا سهم کودکانی که اسیر گروه های بزهکاری و یا تکدی گری شده اند در این آمار لحاظ شده است جای بحث و تأمل دارد. هر چه که هست مسئله اساسی و مهم وجود کودکان بازمانده از تحصیل می باشد که به هر دلیلی از چرخه آموزش به دور می باشند و نیازمند پشتکار و دلسوزی مسئولین می باشند که به زور قدرت و قانون، یا صرف هزینه و یا صدور بخشنامه های اساسی و پیگیری های مستمر دوباره جذب شوند این کودکان نیاز مبرم به توجه ما دارند و دولت و جامعه در برابر آنان مسئول می باشد شاید شیوه کار با این کودکان نسبت به سایرین متفاوت باشد اما هر قدمی که در این راستا برداشته می شود گامی است که به سوی ترقی و تعالی جامعه برداشته می شود و ایران اسلامی زبینه چنین معضلاتی نمی باشد.

## منابع و ماخذ:

- ۱- اسلاوین، رابرت ایبی (۲۰۰۶). روانشناسی تربیتی - نظریه و کاربرت. ترجمه سید محمدی، یحیی. تهران: نشر روان.
- ۲- سایت مرکز پژوهش‌های مجلس، متن مشروح گزارش «بررسی وضعیت پوشش تحصیلی و ریشه کن کردن بیسوادی در کشور»
- ۳- سیف، علی اکبر (۱۳۸۴). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه، چاپ سیزدهم
- ۴- سیف، علی اکبر (۱۳۸۵). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات دوران.
- ۵- قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۵). جزئیات روشهای تدریس. تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.
- ۶- هرگنهان و السون (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی نوین. ترجمه: سیف، علی اکبر. تهران: نشر دوران.
- ۷- هرگنهان و السون (۱۳۸۶). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری. ترجمه: سیف، علی اکبر. تهران: نشر دوران.